

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

**POLIT
STURM**

سایت پولیت‌ستورم
برگردان: آمادور نویدی
۳۱ اگست ۲۰۲۲

حقیقت پیمان مولوتوف – ریبنترپ

TRUTH ABOUT
MOLOTOV-
RIBBENTROP
PACT

POLITSTURM.COM



حقیقت درباره معاهده بین مولوتوف و ریبنترپ

پیمان مشهور بین مولوتوف و ریبنترپ، یکی از شایع‌ترین افسانه‌ها در باره اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در جنگ جهانی دوم است. بنابر گفته بسیاری از تاریخ‌دانان و مؤرخان غربی، اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی این پیمان را با آلمان نازی امضاء کرد که پولند را بین آلمان و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی تقسیم کند. این پیمان به عنوان توافقی بین دو قدرت امپریالیستی دیده می‌شود که دنبال دستیابی به تسلط جهانی بر حوزه‌های در حال گسترش نفوذ مرتبط به خود بودند. مشکل این دیدگاه اینست که از هر دو، زمینه‌ای که تحت آن توافق صورت گرفت، و همچنین از خود توافق کاملاً چشم‌پوشی می‌شود.

رهبران غربی قبل از امضای پیمان مولوتوف و ریبنترپ، هم‌دست گسترش آلمان نازی بودند. از سال ۱۹۳۳ بین آلمان نازی و کشورهای غربی چندین پیمان بسته شد: پیمان چهار قدرت (۱۹۳۳)، پیمان بحری آنگلو-ژرمن (۱۹۳۵)، پیمان عدم تجاوز آنگلو-ژرمن (۱۹۳۸)، و غیره. برجسته‌ترین نمونه، توافق مونیخ است که تحت آن رهبران بریتانیای کبیر و فرانسه، چکسلواکی را به آلمان، هنگری و پولند واگذار نمودند. قدرت‌های غربی یا بی‌طرف بودند و یا فعالانه از گسترش آلمان نازی حمایت می‌کردند. واگذاری سودینتن چکسلواکی، کشوری بسیار صنعتی، در تولید تسلیحات برای نیروهای نازی سودمند بود. کارخانه اسکودای چک برای آلمان‌ها تانک، هواپیما، خودروهای زرهی، و مهمات تولید می‌کرد. چمبرلین نوئل، نخست‌وزیر بریتانیا با غرور ادعا می‌کرد که این اقدامی جهت «صلح زمان ما»

می‌باشد. اما مطمئناً این‌طور نبود. قدرت‌های غربی اثبات نمودند که در بدترین حالت مضر هستند، زیرا که در مبارزه با رشد فاشیست در قاره اروپا، هر دو، هم غیرقابل اتکاء بودند و هم این‌که همکاری نمی‌کردند.

درباره پلوند چه می‌توان گفت؟ تاریخ‌دانان و مؤرخان امروزی غربی علاقه مندند پلوند را به عنوان کشوری معصوم به تصویر بکشند، که «تحت پیمان استبدادی بین نازی‌ها و کمونیست‌ها گیر کرده بود». اما در واقع، پلوند شوق امپریالیستی داشت. ناسیونالیست‌های پلوند از سال ۱۹۲۰، وقتی‌که آنها بلاروس غربی شوروی و اوکراین غربی را اشغال نمودند، رویای «پلوند بزرگ از بحیره بالتیک تا بحیره سیاه» را در سر داشتند. ناسیونالیست‌های پلوند مشتاق تشکیل یک «جنگ صلیبی ضد کمونیستی» با کشورهای همسایه بودند و فعالانه به دنبال یک اتحاد می‌گشتند. ناسیونالیست‌های پلوند در سال ۱۹۳۴ پیمان پیلسودسکی و هیتلر را امضاء نمودند. این امر به هیتلر اجازه داد تا در غرب آزادانه عمل کند. پلوند در سال ۱۹۳۸ در ضمیمه کردن چکسلواکی شرکت نمود و قسمتی از تشین سیلیشا را تصرف نمود. رویای ضد کمونیستی پلوند زمانی نقش بر آب شد که به المان اجازه ضمیمه دانزیک را ندادند، و مسیر هیتلر به شرق علنی شد.

اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی می‌خواست که با فرانسه و بریتانیای کبیر اتحاد کند، اما دیپلمات‌های غربی به مدت ۶ سال از انجام آن امتناع کردند، ولی گذاشتند که المان، اتریش و چکسلواکی را دوباره میلیتاریزه و ضمیمه کند. آشکار گردید که آن‌ها فقط به جنک بین المان و اتحاد جماهیر شوروی علاقه مند بودند.

دولت شوروی فقط زمانی که با بن‌بست روبه رو شده بود و پس از ملاحظات فراوان، پیمان عدم تجاوز را با دشمن نازی امضاء کرد. پیمان مولوتوف و ریبینتروپ مانند توافق مونیخ در صدد «تقسیم» پلوند و دیگر کشورهای اروپای شرقی نبود که بخشی از چکسلواکی را تقسیم کرد و به المان واگذار نمود. بلکه همان‌گونه که در پروتکل مخفی ضمیمه آمده است، ترجیحاً، حوزه های نفوذ المان و شوروی را مشخص نمود. این امر اجازه داد تا نقشه کلی مرزهای ملی معلوم شود و به شوروی‌ها فرصت داد که توانائی‌های نظامی دفاعی خودشان را توسعه دهند. روایت غربی با ارائه نکات برجسته پیمان نشان می‌دهد که شوروی‌ها در حال تشکیل توافقی با المان نازی است، اما واقعیت‌های تاریخی سفت و سختی را که اتحاد شوروی سوسیالیستی با آن روبه رو بود و خودداری قدرت‌های غربی از همکاری با دیپلمات‌های شوروی و دفاع علیه تهدید فاشیسم را کاملاً نادیده می‌گیرد.

نازی‌ها در ۱ سپتمبر ۱۹۳۹ به پلوند حمله کردند و در کوتاه زمانی بعد، مقامات پلوند به رومانی فرار کردند. در این مرحله مقامات شوروی دریافتند که دیگر کشور و دولت پلوند وجود ندارد. با حمله ارتش نازی و از هم پاشیدن دولت پلوند در مرزهای غربی اش، فرماندهی کل ارتش سرخ دستور صادر نمود که پرسنل از مرز عبور کنند که از جمعیت اوکراین غربی و بلاروس محافظت کنند. بنابراین، بررسی واقعی شرایط تاریخی آشکار می‌سازد که در سال ۱۹۳۹ هیچ «حمله ای» به پلوند صورت نگرفته است، در عوض اتحاد شوروی با انحلال کشور پلوند از شهروندان در مقابل تجاوز سریع و ناگهانی نیروهای مهاجم المانی محافظت نمود و سرزمین‌هایی را آزاد ساخت که پس از جنگ داخلی در روسیه توسط پلوند اشغال شده بودند.

منابع:

https://www.files.ethz.ch/isn/125339/1393_Molotov-Ribbentrop_Pact.pdf

https://www.files.ethz.ch/isn/125339/1393_Molotov-Ribbentrop_Pact.pdf

<https://www.mzv.cz/file/198473/MunichAgreement.pdf>

برگردانده شده از:

The Truth About The Molotov-Ribbentrop Pact

<https://us.politsturm.com/truth-about-molotov-ribbentrop-pact/>